



لزوم اصلاح کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در پرتو رویکرد دولت‌ها و اقتضات نوین جهانی



فرهاد کابالی ثمرتویی* - دکتر موسی عاکفی قاضیانی**

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

هماهنگ‌سازی قوانین مخصوصاً در حوزه تجارت بین‌الملل با هدف جایگزینی قوانین پراکنده داخلی و بین‌المللی با مقررات متحدالشکل اهمیت دارد و می‌تواند از هزینه کسب اطلاع از قوانین هر کشور و تطبیق با آن‌ها بکاهد و به تسهیل تجارت بین‌الملل کمک کند. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در زمره همین تلاش‌هاست و ناظر بر هنجارهای حقوقی حاکم بر قراردادهای بیع کالا است. موفقیت اسناد در هماهنگ‌سازی را بر اساس مقبولیت و میزان قطعیتی که ایجاد نموده‌اند می‌توان ارزیابی کرد. اما با گذشت قریب به ۴۰ سال از تهیه این سند کماکان بیش از نیمی از دولت‌ها و برخی اقتصادهای بزرگ چون بریتانیا و هند آن را تصویب نکرده‌اند. همچنین نسبت به قطعیت مقررات آن و پاسخگویی به اقتضات نوین تجارت و توسعه پایدار انتقاداتی وارد شده است. اما سوال اصلی این است که رویکرد دولت‌ها در قبال این کنوانسیون چطور ارزیابی می‌شود و اصلاح مقررات این سند از چه حیث ضرورت دارد؟. این مقاله با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی به دنبال ارائه پاسخ به این سوال و اثبات این فرضیه بوده که اصلاح کنوانسیون بیع بین‌المللی در جهت پاسخ‌گویی به اقتضات نوین بین‌المللی تجارت و توسعه پایدار الزامی است. لذا با بررسی جایگاه کنوانسیون در تجارت بین‌الملل و رویکرد دولت‌ها در مواجهه با این سند به تحلیل اقتضات تجارت بین‌الملل و توسعه پایدار به عنوان وجهه‌ای از تحولات جهانی که نقاط ضعف کنوانسیون را ظاهر ساخته پرداخته و نتیجتاً لزوم اصلاح کنوانسیون از این حیث را اثبات کرده است.

کلیدواژگان

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، هماهنگ‌سازی، تجارت، خدمات، توسعه پایدار.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

** استادیار حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. / نویسنده مسئول / ایمیل:

moosaghazi@pnu.ac.ir

مقدمه

همکاری‌های حقوقی بین‌المللی نظام‌های حقوقی را قادر می‌سازد بر چالش‌های خود فائق آیند و میزان کارآمدی خود را ارتقاء دهند. در مرتبه‌ای بالاتر، این همکاری‌ها به هماهنگ‌سازی حقوقی میان دولت‌ها می‌انجامد که دو یا چند دولت، قوانین داخلی خود را در حوزه‌ای مشخص تغییر می‌دهند تا با هنجارهای مشترک در آن حوزه مطابقت و سازگاری ایجاد نمایند.

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا^۱ از برجسته‌ترین اسنادی است که در راستای هماهنگ‌سازی حقوقی شکل گرفته است. این سند از آن جهت اهمیت مضاعف پیدا کرده که نظام حقوقی متحدالشکل،^۲ توین و نسبتاً منصفانه‌ای برای قراردادهای بیع بین‌المللی کالا ارائه می‌دهد و از این رو هزینه تعاملات بازرگانی بین‌المللی را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. این کنوانسیون نتیجه مطالعات تطبیقی گسترده در نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومن ژرمن و تلاش‌های قریب به ۵۰ ساله در قالب نهادهای بین‌المللی و بطور خاص کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل (آنستیرال) بوده و می‌تواند به عنوان قانون حاکم بر قراردادهای خرید فروش میان اتباع کشورها تعیین گردد.

با گذشت بیش از ۴۰ سال از تهیه این کنوانسیون تنها ۹۴ دولت این سند را تصویب کرده‌اند. کماکان اقتصادهای بزرگی چون بریتانیا، هند، عربستان، اندونزی و آفریقای جنوبی به این کنوانسیون نپیوسته‌اند. این واقعیت که قریب به نیمی از کشورهای جهان کنوانسیون را به تصویب نرسانده‌اند فی نفسه نشان از عدم موفقیت این سند، در مقایسه با اسناد بین‌المللی مشابه چون کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام دآوری بین‌المللی،^۳ کنوانسیون مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری، و یا موافقت‌نامه موسس سازمان تجارت جهانی دارد که هر کدام از سوی حداقل ۱۵۰ دولت به تصویب رسیده‌اند. اما دلیل عدم مقبولیت کنوانسیون بیع در میان دولت‌ها چیست؟

علاوه بر توجیهاتی که برخی دولت‌ها در عدم لزوم تصویب این سند ارائه داده‌اند، جامعه جهانی و سازکارهای حاکم بر تجارت بین‌الملل در طول چند دهه اخیر دستخوش تحولاتی بوده و این تحولات تا حدودی کاستی‌های کنوانسیون بیع و نیاز به اصلاح مقررات این سند را بیش از پیش نمایان ساخته است. لذا سوال اصلی این است که «رویکرد دولت‌ها در قبال کنوانسیون بیع چطور ارزیابی می‌شود و اصلاح مقررات این سند از چه حیث ضرورت پیدا می‌کند؟». این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این سوال و اثبات این فرضیه است که این سند کاستی‌هایی دارد و اصلاح کنوانسیون بیع بین‌المللی در جهت پاسخ‌گویی به اقتضانات نوین تجارت بین‌الملل و توسعه پایدار الزامی است. انتقاداتی نیز از حیث ماهیت مقررات و ساختار به این سند وارد شده که تدوین طرحی جایگزین یا نسخه‌ای اصلاح شده برای این کنوانسیون را لازم

^۱ Harmonisation of law

^۲ United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (1980) (CISG).

از این به بعد: «کنوانسیون بیع».

^۳ Uniform law

می‌دارد. از این رو پس از ارائه پیشینه پژوهش، مبانی نظری و تاریخچه، ابتدا به بیان ویژگی مقررات کنوانسیون و رویکرد دولت‌ها در مواجهه با این سند پرداخته شده است. در بخش بعد نیز کنوانسیون در پرتو اقتضانات نوین جهانی و بطور خاص از حیث توسعه تجارت بین‌الملل به عنوان وجهه‌ای از تحولات جهانی که نقاط ضعف کنوانسیون را ظاهر ساخته و اقتضانات توسعه پایدار، مورد ارزیابی قرار گرفته است. نهایتاً نیز نتیجه‌گیری و اثبات فرضیه تحقیق ارائه شده است.

۲- پیشینه پژوهش

با بررسی منابع انتشار یافته این نتیجه به دست می‌آید که تا کنون مقاله‌ای در این خصوص نه تنها به زبان فارسی، بلکه به زبان انگلیسی نیز به رشته تحریر در نیامده است. البته مقالاتی در رابطه با جوانب حقوقی کنوانسیون بیع و یا مطالعات تطبیقی در این حوزه به انتشار رسیده است. برای مثال می‌توان به مقاله «بازفروش مبیع (فروش خودیاری و اضطراری) در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰) و حقوق ایران با تاکید بر قوانین حمل و نقل» اشاره داشت که اساساً ناظر به حوزه خاص حمل و نقل است (اکبری دهنو، حاجیان، ۱۴۰۰: ۷-۳۰)؛ (Akbari, Hajian, 2021: 7-30). نمونه دیگر پژوهشی با عنوان «نرم‌افزار به عنوان کالا، در مقررات کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا» (فیضی چکاب، عاکفی قاضیانی، ۱۴۰۱: ۲۷۹-۳۰۸)؛ (Fayzi Chakab, Akefi Ghaziani, 2022: 279-308) و یا مقاله «تبیین مفهوم نقض اساسی و عدم اجرای اساسی قرارداد (در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰، سایر اسناد بین‌المللی و مقایسه با حقوق ایران)» است که حوزه تحقیقاتی این آثار نیز در خصوص تحلیل مقررات این کنوانسیون در حوزه‌های خاصی چون نرم‌افزار و یا در مقایسه با نظام حقوقی ایران است (نعمت‌اللهی و فاطمیون، ۱۳۹۸: ۱۵۹-۱۹۰)؛ (Nematollahi, Fatemioon, 2020: 159-190).

در خارج از کشور نیز آثاری در رابطه با این کنوانسیون به چاپ رسیده است که به عنوان مثال می‌توان از مقاله فارو وان و دوگل (۲۰۲۲) با عنوان «داوری بین‌المللی، انتخاب حقوق ماهوی و کنوانسیون بیع الملل: مطالعه قضایا» اشاره داشت که به ویژگی کنوانسیون بیع که همان قابلیت انتخاب حقوق ماهوی حاکم بر قراردادهاست متمرکز بوده است. لذا با بررسی آثار منتشر شده در رابطه با این کنوانسیون به سادگی می‌توان دریافت که تاکنون هیچ مقاله‌ای به بررسی جایگاه این کنوانسیون در معادلات تجاری و حقوقی بین‌المللی معاصر متمرکز نبوده (Vaughn, Duggal, 2022: 187-202). این مقاله دارای ویژگی منحصر به فردی است که کنوانسیون را از جوانب گوناگون حقوقی، رویکرد دولت‌ها به آن و مقتضیات نوین بین‌المللی مورد بررسی قرار داده و درک جامعی از چرایی و چیستی اصلاحات مورد نیاز این سند ارائه می‌دهد.

۲- چهارچوب مفهومی و مبانی نظری

فعالیت‌های تجاری بین‌المللی که قاطبه اقتصاد جهانی بر پایه آن بنا شده است معمولاً شامل یک یا چند قرارداد بیع کالا نیز هستند. لذا تصویب کنوانسیون بیع از مهم‌ترین اقدامات الزام‌آور حقوقی بین‌المللی در جهت هماهنگ‌سازی حقوق حاکم بر این قراردادها بوده است (Wethmar-Lemmer,)

299: 2014). عضویت کشورها در این کنوانسیون نیز از اهمیت بالایی برخوردار است چراکه تأثیر مستقیم بر قراردادهای خرید و فروش کالا میان این کشورها و دیگر اعضای کنوانسیون خواهد داشت. از این رو شناخت مقررات این کنوانسیون و محورهای اصلی انتقاداتی که به آن وارد شده موضوعیت دارد (Nguyen, 2021). از سوی دیگر، ضابطه اصلی برای سنجش موفقیت اسناد بین‌المللی که داعیه هماهنگ‌سازی هنجارهای حقوقی بین‌المللی را دارند، میزان موفقیت این اسناد در ایجاد قطعیت حقوقی و همچنین مقبولیت آن‌ها در میان دولت‌ها و دیگر تابعین حقوق بین‌الملل است (Wethmar-Lemmer, 2014: 299). ارزیابی این مهم نیز جز از طریق بررسی مواضع دولت‌ها و دکتترین حقوقی نسبت به این اسناد امکان‌پذیر نیست. اگر چه بسیاری از قراردادهای بیع کالا خود را از اعمال این کنوانسیون مستثنی می‌دارند، برخی دیگر چنین استثنائی برای خود قائل نیستند. وانگهی با گذشت بیش از ۳۰ سال از قابلیت اعمال این کنوانسیون، مجموعه‌ای از تصمیمات قضائی و داوری در خصوص این کنوانسیون به دست آمده است. این آراء از دو جهت حائز اهمیت است. از یک سو این کنوانسیون لزوماً باید و نبایدهای قطعی را مقرر نداشته است، بلکه شامل استانداردهای حقوقی (مثلاً نقض اساسی، اشخص متعارف، بازه زمانی متعارف) است که معنی و گستره اعمال آن‌ها تا حدود زیادی به واسطه آرای قضائی و داوری مشخص خواهد شد (Praštalo, 2020). البته بخشی از این واقعیت ناشی از این امر است که امروزه جایگاه آرای قضائی و داوری تجاری و سرمایه‌گذاری بین‌المللی بطور فزاینده‌ای رو به ارتقاء است و این آراء در مواردی به منابع اولیه مورد استناد و تبادل نظر در محاکم تبدیل شده است (عاکفی قاضیانی، عاکفی قاضیانی، ۱۴۰۰: ۶۷-۷۷)؛ (Akefi Ghaziani, Akefi Ghaziani, 2021: 67-77). لازم به ذکر است که حقوقدانان همواره نسبت به ناسازگاری میان آرای راجع به این کنوانسیون انتقاد داشته‌اند. حال آنکه از ماده (۷) این کنوانسیون مستفاد است که ماهیت این سند مقررات حقوقی متحدالشکل است و از این رو محاکم باید در تفسیر و اعمال مقررات این کنوانسیون به تفاسیر ارائه شده از سوی دیگر محاکم در کشورهای مختلف نیز توجه نمایند (Schwenzer, 2014: 102). به هر حال این از نقاط ضعف کنوانسیون محسوب می‌شود که تاب تفسیر بالایی دارد؛ حال آنکه انتظار از اسناد حقوق متحدالشکل این است که هنجارهای هماهنگ و با قطعیت بیشتری مقرر دارند (Praštalo, 2020). امروزه بر خلاف دوران جنگ سرد تجارت جهانی نیز تحولاتی را تجربه می‌کند که از جمله قراردادهای بیع و طول مدت ارائه خدمات در برخی از این قراردادها را افزایش داده است. همچنین خرید و فروش برخی کالاهای مدرن نیز موضوع قراردادهای بیع می‌تواند باشد. به عبارت دیگر توسعه تجارت اقتضائاتی دارد که اهمیت ایجاد هماهنگی میان آرای داوری و قطعیت حقوقی در رابطه با چگونگی اعمال این کنوانسیون را بیش از پیش برحسته می‌سازد. از سوی دیگر امروزه

¹. Fundamental breach

². Reasonable person

³. Reasonable time

توسعه پایدار مقوله‌ای با اهمیت فراگیر بین‌المللی است و تجارت و سرمایه‌گذاری را نیز کاملاً تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (UNCTAD, 2013: 100-120). لذا شمار قابل توجهی از حقوق‌دانان بین‌المللی بر لزوم نقش آفرینی مستقیم دولت‌ها و کنوانسیون‌های مختلف در بستر توسعه پایدار تأکید دارند (Schefer, 2016: 383-98). کنوانسیون بیع نیز از این امر مستثنی نیست و انتظار می‌رود که به عنوان حقوق متحدالشکل حاکم بر قراردادهای بیع، خلاءهای قراردادهایی را که به هر دلیل اهداف توسعه پایدار از حیث محیط زیست یا دیگر نیازهای اجتماعی، یا پیچیدگی‌های تجاری نوین را مغفول داشته‌اند جبران نماید.

از این منظر برای آزمون فرضیه تحقیق باید به ارزیابی جایگاه کنوانسیون از حیث مقررات و تحولات بین‌المللی پرداخت تا کارآمدی یا ناکارآمدی این سند و نقاط ضعف آن به اثبات برسد.

۳- تاریخچه کنوانسیون

پیش از تدوین کنوانسیون بیع، دو کنوانسیون مربوط به حقوق متحدالشکل حاکم بر تشکیل قراردادهای بیع بین‌المللی کالا^۱ و کنوانسیون حقوق متحدالشکل بیع بین‌المللی^۲ در جریان کنفرانس دیپلماتیک لاهه در سال ۱۹۶۴ به تصویب رسید، لیکن تنها دولت‌های معدودی از این اسناد پیروی کردند (Moccia, 1990: 652). این دو کنوانسیون از جمله به دلیل عدم کارآمدی در تلفیق و هماهنگ‌سازی میان هنجارها و رویه‌های حقوقی نتوانستند از اقبال چندانی در سطح بین‌الملل برخوردار باشند. لذا در حالی که فرآیند الحاق کشورها به دو کنوانسیون لاهه ادامه داشت، کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل با نظرسنجی از اعضای سازمان ملل به این نتیجه رسید که کنوانسیون‌های لاهه از شانس چندانی برای موفقیت و مقبولیت بین‌المللی برخوردار نیستند و از این رو به تدوین و تصویب سند جدیدی در این حوزه پرداخت که نهایتاً تحت عنوان کنوانسیون بیع بین‌المللی، در جریان یک کنفرانس دیپلماتیک در سال ۱۹۸۰ به تصویب رسید (حاجی عزیزی، بیات، ۱۳۹۷: ۳۰۶-۳۰۰)؛ (Hajiazizi, Bayat, 2018: 300-06).

۴- ویژگی مقررات کنوانسیون و رویکرد دولت‌ها به این سند

کنوانسیون بیع نمونه‌ای از یک سند جامع حاکم بر قراردادهای بین‌المللی نیست و از ابتدا نیز چنین داعیه‌ای نداشته است. لذا به مسائلی چون حقوق اموال و مقوله اعتبار و نفوذ قراردادهای خرید و فروش کالا نیز نمی‌پردازد. از طرفی مقررات این کنوانسیون، علیرغم برخی مفاد آن که ماهیت حقوق نرم دارد، دستخوش تفاسیر مختلف و بعضاً متعارض بوده است (Schwenzer, 2014: 102-110). برخی حقوق‌دانان این حاشیه اختیاری که کنوانسیون به محاکم برای تفسیر مقررات آن می‌دهد، را از این جهت مفید می‌دانند که موجب افزایش تمایل دولت‌ها به عضویت در این سند می‌شود،

¹. Convention relating to a Uniform Law on the Formation of Contracts for the International Sale of Goods (ULF) (1964).

². Convention relating to a Uniform Law on the International Sale of Goods (ULIS) (1964).

لیکن وجود حاشیه اختیار برای ارائه تفاسیر مختلف و بعضاً متعارض از نقاط ضعف هر سند حقوقی محسوب می‌شود (Schwenzer, 2014: 102)؛ (Tiong Min, 2015: 1). علت اصلی این امر نیز در کاهش قطعیت و عدم امکان قابلیت پیش‌بینی نتایج اختلافات احتمالی است که می‌تواند ارزیابی‌های اقتصادی طرفین قرارداد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نتیجتاً منجر به کاهش اعتماد فعالین اقتصادی اعم از تجار و سرمایه‌گذاران برای ورود به چنین قراردادهایی گردد (Tienhaara, 2008: 148-159). از سوی دیگر کنوانسیون اهمیت زیادی به اراده طرفین قراردادها می‌دهد. این سند در مواقعی که طرفین از کشورهای عضو باشند بطور خودکار قابل اعمال است، لیکن طرفین قرارداد می‌توانند از اعمال آن بطور کلی یا جزئی صرف نظر کنند یا در برخی مقررات آن دخل و تصرف نمایند (CISG, 1980: art. 6). این آزادی منجر به شکل‌گیری رویه‌ای در میان وکلای برخی کشورها شده است که اساساً حاکمیت کنوانسیون بر تمامی قراردادهایشان را لغو می‌کنند (Tiong Min, 2015: 2). در رابطه با موضوعات خارج از صلاحیت کنوانسیون روابط طرفین تابع قواعد حل تعارض است. همچنین به موجب بند (ب) پاراگراف اول ماده (۱) در مواردی نیز که قواعد حل تعارض قانون یکی از کشورهای عضو کنوانسیون را بر قرارداد حاکم بدارد، مقررات کنوانسیون بر چنین قراردادی حاکم خواهد بود، لیکن دولت‌ها به موجب ماده (۹۵) می‌توانند نسبت به بند (ب) پاراگراف اول ماده (۱) حق شرط قائل شوند. این نوع حق شرط نیز ماهیت حقوقی متحدالشکل این سند را بیش از پیش تضعیف می‌کند و طرفین قراردادها برای احراز اینکه کدام دولت‌ها حق شرط قائل شده‌اند باید وقت و هزینه مضاعف صرف نمایند (Gillette, Scott, 2005: 470-486). از حیث ماهیت قواعد نیز کنوانسیون از انعطاف بالائی برخوردار است و بسیاری از صاحب نظران انعطاف بالای کنوانسیون در مقابل اصل آزادی قراردادی را از نقاط ضعف آن می‌دانند (Smits, 2014: 605-611).

اگرچه ادعا می‌شود که کنوانسیون بیع با تمام کاستی‌هایی که از حیث حقوقی دارد، به واسطه همین احترام به اصل آزادی قراردادی توانسته در عرصه سیاسی پیروز باشد، کماکان بیش از نیمی از کشورهای دنیا آن را تصویب نکرده‌اند و این در حالی است که سهم کشورها در تجارت جهانی همواره رو به افزایش بوده است (Zhou, 2014: 669-670)؛ (WTO, 2019: 8-10). بزرگترین اقتصادهای حوزه حقوق رومن ژرمن به عضویت این کنوانسیون درآمده‌اند لیکن در حوزه کامن لا شاخص‌ترین اقتصادها از قبیل بریتانیا، هندوستان و آفریقای جنوبی هنوز آن را تصویب نکرده‌اند (Kritzer, 2022). برای مثال علت اصلی که هندوستان هنوز به عضویت این کنوانسیون در نیامده این است که این سند را یک دستورالعمل کامل یا یک معاهده جامع تلقی نمی‌کند. البته این سند به مسائلی چون اعتبار قرارداد و موارد کلاهبرداری یا تدلیس و غیره نمی‌پردازد و از این‌رو حداقل یکی از ویژگی‌های لازم برای حقوق متحدالشکل بیع بین‌المللی را ندارد (The Lawyers and Jurists, 2023).

عضویت بریتانیا نیز که به عنوان مهد نظام حقوقی کامن لا شناخته می‌شود در این کنوانسیون

اهمیت مضاعف دارد و می‌تواند مشوقی برای دیگر دولت‌ها جهت تصویب کنوانسیون باشد (Eiselen, 1999: 336). موضع رسمی بریتانیا این بوده است که این کنوانسیون در زمان مناسبی که پارلمان فراغت داشته باشد تصویب خواهد شد (Moss, 2005: 483). لیکن چنین عذری پس از گذشت بیش از چهل سال از تاریخ تهیه این کنوانسیون دیگر چندان وجاهت ندارد. این تعلل حاکی از این است که این کنوانسیون به دلایل دیگری در اولویت دولت بریتانیا قرار نگرفته که در درجه اول مسائل سیاسی داخلی است. نظام‌های حقوقی داخلی نوعی رقابت با یکدیگر خصوصاً در حوزه‌هایی چون بازرگانی بین‌المللی دارند. شرکت‌های اتباع این کشورها نیز معمولاً قوانین داخلی خود را بهترین گزینه دانسته و در قراردادها آن را حاکم می‌دارند. در حقیقت این اعتقاد کماکان در بریتانیا وجود دارد که حقوق این کشور بر دیگر سازکارهای بین‌المللی حاکم بر قراردادها برتری دارد (Hoekstra, 2021: 62-63). این رویکردها را می‌توان نمونه بارزی از روند تأثیر و تأثر میان سیاست و رهیافت‌های اقتصاد بین‌المللی دولت‌ها دانست که جهان خصوصاً پس از دهه هفتاد میلادی و با توسعه تجارت بین‌الملل آن را بطور فزاینده‌ای تجربه می‌کند (جکسون، سورنسون ۱۳۹۵: ۲۶۹-۲۵۸)؛ (Jackson, Sørensen, 2016: 258-269). لذا این گرایش جامعه حقوقی و موضع سیاسی بریتانیا به حفظ رویکرد حقوقی این کشور در رابطه با قراردادها است که منجر به عدم تصویب کنوانسیون شده که می‌تواند این نظم را تغییر دهد. چرا که کنوانسیون بیع بیشتر به حقوق رومن ژرمن گرایش دارد و از این حیث می‌تواند جایگاه نظام حقوقی کامن‌لا و بطور خاص سازکارهای نظام حقوقی بریتانیا در رابطه با اختلافات بازرگانی بین‌المللی را تضعیف نماید (Hoekstra, 2021: 63).

البته این واقعیت نیز قابل کتمان نیست که بازرگانان و وکلای در کشورهای تابع نظام حقوقی کامن‌لا از دیرباز به حاکم دانستن حقوق عرفی بر قراردادهای بیع، خصوصاً به دلیل رویکرد واقع‌گرایانه و اقتصادی آن تمایل داشته‌اند (Cuniberti, 2014: 458-459). برای مثال تفسیر هدفمند قوانین در بین حقوقدانان کامن‌لا رواج کمتری دارد. لذا استنباط اصول حقوقی پراکنده در قوانین مدنی که برای تفسیر این گونه اسناد و در جهت جبران کاستی‌های قوانین در میان وکلای رومن ژرمن امری عادی است، می‌تواند برای وکلای نظام حقوق عرفی امری پیچیده باشد. همانطور که احراز اصول مبنایی از بین انبوه آرای محاکم برای وکلای رومن ژرمن امری دشوار است؛ چرا که سیر تفکر فلسفی در نظام حقوقی رومن ژرمن استنباطی است، حال آنکه در نظام عرفی روش استقرائی اولویت دارد (Tiong Min, 2015: 3-4). چنین رویکردهایی از عمده‌ترین دلایل عدم اقبال بسیاری از حقوقدانان حوزه کامن‌لا نسبت به این سند محسوب می‌شود.

البته برخی دولت‌ها حتی پس از تصویب کنوانسیون نیز نسبت به آن انتقاداتی داشته‌اند و مثال بارز برای این دسته دولت سوئیس است که در سال ۲۰۱۲ از کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل خواست تا سازکار فعلی حاکم بر قراردادهای بین‌المللی و بطور مشخص کنوانسیون

¹. Deductive

². Inductive

بیع را مورد بازنگری قرار دهد. این دولت مدعی بود که این کنوانسیون بطور مناسبی نیازهای قراردادهای بین‌المللی را پوشش نمی‌دهد؛ چراکه محدود به بیع کالا است و مسائلی چون اعتبار قراردادهای مورد بحث قرار نداده است. لذا دولت سوئیس در طرح خود از کمیسیون خواست تا با هدف ایجاد هماهنگ‌سازی حقوقی مضاعف میان نظام‌های حقوقی و پاسخگویی به نیازهای حوزه بازرگانی بین‌المللی امکان اصلاح این کنوانسیون یا ایجاد کنوانسیون یا قانون نمونه جدیدی را مورد ارزیابی قرار دهد (UN Doc A/CN.9/758, 2012). در پاسخ به این طرح اما کمیسیون بیان داشت که دولت‌ها نسبت به تدوین مقررات جامع برای این سند اتفاق نظر ندارند و چنین تحولاتی نیاز به منابع لازم دارد و از حیث سیاسی نیز پیشبرد چنین اصلاحاتی دشوار است (UN Doc A/67/17, 2012).

از دیگر نقاط ضعف کنوانسیون این است که این سند به شش زبان رسمی تصویب شده است (CISG, 1980: art. 10). همین امر فهم مشترک میان دولت‌ها و حقوقدانان از کشورهایی که زبان رسمی متفاوتی دارند را از مقررات این سند دشوار می‌سازد. علاوه بر این کنوانسیون بیع با پرهیز از به کار بردن اصطلاحات رایج در حقوق عرفی و رومن ژرمن تدوین شده است (Monroe, 2017). این تفاوت‌های زبانی و عدم استفاده از واژه‌های متداول این دو نظام حقوقی نیز فهم مشترک از مقررات این سند را دشوار می‌سازد و با توجه به اینکه زبان قراردادهای بیع نیز در هر حوزه قضائی می‌تواند متفاوت باشد، تطبیق این مقررات ممکن است منجر به ارائه تفاسیر متفاوت از سوی محاکم و مغایر با ماده (۷) شود (Maulana Haeruddin et al., 2020: 928).

۵- ارزیابی کنوانسیون در پرتو اقتضانات نوین جهانی

کنوانسیون بیع در جریان جنگ سرد و چالش‌هایی که مناطق گوناگون را تحت تأثیر قرار داده بود به تصویب رسید. چالش‌هایی چون جنگ افغانستان علیه شوروی و جنگ ویتنام، رقابت‌های اقتصادی و سیاسی میان بلوک غرب و شرق در اروپا و یا تحریم شوروی در زمره این موارد است. در آن دوران چین نیز که امروزه از بزرگترین بازیگران سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌الملل است هنوز سیاست درهای باز را بطور کامل اجرایی نساخته بود و در تدوین پیشنویس کنوانسیون بیع نیز مشارکت نداشت (Kobayashi, Baobo and Sano, 1999).^۲

در سال ۱۹۸۰ که این سند به امضاء رسید، سهم تجارت جهانی از میزان تولید ناخالص قریب به ۳۸٪ بود و این رقم امروزه به حدود ۵۶٪ رسیده است (Trading Economics, 2023). اساساً در آن زمان سازمان تجارت جهانی تأسیس نشده بوده و با تأسیس این نهاد بود که بطور متوسط حجم و ارزش تجارت جهانی سالانه به ترتیب ۴٪ و ۶٪ رشد داشته است (WTO, 2023). امروزه تجارت

^۱. Open-door policy

^۲. سیاست‌های آزادسازی اقتصادی دولت چین از سال ۱۹۷۸ تاکنون ادامه داشته است و برای مثال در سال ۲۰۱۹ این دولت قانون سرمایه‌گذاری خارجی را به تصویب رسانید که برای سرمایه‌گذاران خارجی و شرکای تجاری آزادی‌ها و حمایت‌های مضاعفی را مقرر داشته است (Zhou, 2019).

فرامیزی کالا به یک مقوله استراتژیک تبدیل شده و ارزشی قریب به نیمی از فعالیت‌های اقتصادی جهانی را داراست. از این رو امروزه مقرراتی که بر تجارت جهانی کالا تأثیر گذار است، نه تنها از دیدگاه معدود دولت‌های فعال در این عرصه اهمیت دارد، بلکه به مقوله‌ای سیاسی و راهبردی برای تمامی دولت‌ها و جوامع تبدیل شده است. همچنین سهم کشورهای صنعتی از صادرات کالا کاهش یافته و امروزه دولت‌های در حال توسعه قریب به نیمی از مجموع صادرات کالا را به خود اختصاص داده‌اند (WTO, 2019: 8-10).

تولید غیرمتمرکز کالاها و شکل‌گیری اقتصادهایی که بیشتر به ارائه خدمات می‌پردازند نیز تراکنش‌ها و قراردادهای تجاری را تحت تأثیر قرار داده است. امروزه شمار بیشتری از قراردادها، بیع کالا را با ارائه خدمات، اعطای حق امتیاز، اعطای مالکیت فکری یا علامت تجاری و غیره تلفیق می‌کنند و از سوی دیگر قراردادها اشکال پیچیده‌تری به خود گرفته‌اند و انعقاد قراردادهای زنجیره‌ای نیز افزایش پیدا کرده است (Miashchanava, 2016: 48-49). بطور خاص می‌توان به وضعیت شرکت‌های چندملیتی چون اپل، مایکروسافت و آمازون که امروزه سهم فزاینده‌ای از اقتصاد جهانی را به خود اختصاص می‌دهند اشاره داشت. امروزه ارائه خدمات نقش محوری برای این شرکت‌ها پیدا کرده و قاطبه خرید و فروش کالاها را با همین هدف انجام می‌دهند (Foley et.al., 2021: 1-32). لوازم الکترونیکی و یارانه‌ای بطور فزاینده‌ای در خودروها، هواپیماها و زیرساخت‌های حیاتی کشورها به کار می‌رود و از خدمات متنوعی از طریق ارتباطات اینترنتی برخوردار می‌شود. حال آنکه در حوزه بیع بین‌المللی کالا، ارتباط میان خرید و فروش این کالاها و خدمات ارائه شده از طریق آن‌ها چندان روشن نیست. برای مثال ارزش خدماتی که به واسطه همین لوازم رایانه‌ای در یک خودرو ارائه می‌شود ممکن است از بسیاری از قطعات خودرو بیشتر باشد، لیکن در نهایت این خودرو است که به عنوان کالا مورد معامله قرار می‌گیرد. حال آنکه عدم ارائه خدمات از طریق این دستگاه‌های رایانه‌ای می‌تواند ارزش خودرو و اعتبار خودروسازان را مخدوش سازد. در ادبیات بازرگانی این کالاها را سیستم‌های کالا-خدمات می‌نامند. در این معنی هم تولید کالا و خدمات و هم تداوم ارائه خدمات موضوع اصلی معامله است. کالاهایی که بعد از خرید هم باید مورد بررسی و تعمیر و یا نهایتاً دفع، با رعایت ملاحظات محیط زیستی باشد. کنوانسیون اما رویکرد جامعی در رابطه با این کالاها اتخاذ نداشته است (Tripodi, 2015: 45-50).

این تحولات رابطه میان فروشنده و خریدار را به میزان قابل توجهی تغییر داده و بدین ترتیب ارتباط میان آنها، با هدف ارائه خدمات مربوط به کالاها، برای مدت بیشتری بطول خواهد انجامید. لذا به نظر می‌رسد که مقررات بند (۲) ماده (۳۹) کنوانسیون که مسئولیت فروشنده را محدود به یک مهلت نهائی دو ساله از تاریخ تسلیم کالا کرده، با اقتضانات ارائه خدمات طولانی مدت در فروش سیستم‌های کالا - خدمات سازگاری چندانی ندارد؛ چراکه تولید کنندگان این کالاها به شکل فزاینده‌ای با خریداران در ارتباط خواهند بود و باید برای مدت طولانی‌تری خدمات ارائه دهند (Baines, Lightfoot, and Kay, 2009: 1209-1211).

¹. Product-Service Systems.

کاستی دیگر این سند آن است که اساساً «کالا» را تعریف نمی‌کند و این ابهام قوت می‌گیرد که آیا کنوانسیون بر خرید و فروش نرم‌افزار، یا خدمات مربوطه حاکم است یا خیر؟ البته با مراجعه به دیگر منابع حقوقی و تنقیح مناط، می‌توان کالا را به مثابه محصول دانست و به نوعی این کنوانسیون را بر فروش نرم‌افزار یا دیگر خدمات مرتبط با کالاها نیز حاکم دانست. لیکن این کاستی کنوانسیون در تحدید دایره موضوعات تا می‌تواند منجر به عدم قطعیت و ناسازگاری آراء محاکم و نظریات اندیشمندان حقوقی گردد و از نقاط ضعف کنوانسیون محسوب می‌شود (Honnold, 2009: 55-56). قطعیت مقررات کنوانسیون که در نتیجه منجر به سازگاری بیشتر آرای محاکم (در شرایط مشابه) خواهد شد، به مراتب از ماهیت خود کنوانسیون اهمیت بیشتری دارد (Halson, 2011: 15). به هر حال با افزایش ارائه کالا و خدمات به عنوان محصولی واحد از سوی تولیدکنندگان، عدم حاکمیت این کنوانسیون بر تجارت خدمات می‌تواند در طولانی مدت از کارآمدی آن کاسته و جریان موجود در لغو حاکمیت مقررات این کنوانسیون بر قراردادهای بیع بین‌المللی را بیش از پیش تقویت نماید (Tiong Min, 2015: 2); (Tripodi, 2015: 50-53).

علاوه بر این، رویکرد جهانی به مقوله توسعه پایدار نیز بطور فزاینده‌ای مشارکت کنوانسیون‌های حقوق متحد الشكل را می‌طلبد. در زمان تصویب کنوانسیون توسعه پایدار مقوله‌ای چندان برجسته نبود. امروز اما توسعه پایدار از مهمترین اهداف بین‌المللی است که تجارت و سرمایه‌گذاری را کاملاً تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و اغلب معاهدات تجاری و سرمایه‌گذاری نیز شروط صریحی راجع به حمایت از محیط زیست، حقوق کارگران، ایمنی و سلامت مقرر می‌دارند (UNCTAD, 2013: 100-120). مشخصاً در حمایت از محیط زیست نیز حقوق‌دانان بر لزوم نقش‌آفرینی مستقیم دولت‌ها و کنوانسیون‌های مختلف تأکید دارند. ایشان معتقدند که حمایت از بشریت در مقابل تهدیدات محیط زیستی و بطور خاص گرمایش زمین و تغییرات آب و هوایی مسئولیت مشترک بشری است. برخی این تئوری را تحت عنوان مسئولیت مضاعف بر حمایت مطرح کرده‌اند که در این معنی تقریباً تمامی اسناد و سازکارهای حقوقی بین‌الدولی نیز موظف به ایفای نقش در راستای اهداف توسعه پایدار هستند (Schefer, 2016: 383-98). البته برخی اسناد بین‌المللی (سالها) پیش از لازم‌الاجراء شدن کنوانسیون بیع جنبه‌های گوناگونی از توسعه پایدار را مد نظر قرار داده بودند، که از مهمترین آن‌ها گزارش براتلند از سوی کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ بود که اولین گزارش بین‌المللی با این ابعاد، در خصوص توسعه پایدار و ارتباط آن با محیط زیست و توسعه محسوب می‌شود که راه‌کارهایی برای همکاری بین‌المللی و تحول سازکارهای حقوقی ارائه می‌نمود (Law Explorer, 2018). بر اساس این گزارش، «تمامی اسناد حقوقی بین‌المللی و طبیعتاً کنوانسیون بیع به عنوان سند حاکم بر قراردادهای خرید و فروش کالا، باید نه صرفاً به منافع دولت‌ها

¹ The Strong Responsibility to Protect

² E.g. Convention relative to the Preservation of Fauna and Flora in their Natural Habitat (1933). See also Convention for the Protection of Migratory Birds and Game Mammals (1936).

یا تجار توجه داشته باشند، بلکه منافع جمعی و بطور خاص نگرانی‌های فزاینده محیط زیستی نیز باید نمود بیشتری داشته باشد. این گزارش بطور خاص به نقش تجارت بین‌الملل در تحقق توسعه پایدار و نگاه کوتاه‌بینانه به اهمیت آن در اغلب کنوانسیون‌ها اشاره داشته است» (World Commission on Environment and Development, 1987: para 4.2).

اما با گذر زمان و اهمیت یافتن جوانب گوناگون توسعه پایدار، چون مسائل محیط زیستی، حقوق کار، حقوق بشر، سلامت و بهداشت و غیره، این ملاحظات نیز برای خریداران کالاهای تولید شده اهمیت پیدا کرده است و از این‌رو قراردادهای خرید کالا ترجیحاً باید نسبت به درج چنین شروط و الزاماتی^۲ همت گمارند. اگر چه کنوانسیون هیچ محدودیتی برای طرفین قرارداد در رابطه با اعمال شروط مورد نظر خود قائل نیست (CISG, 1980: art. 35.1)، لیکن در عالم واقع و با توجه به گستردگی الزامات توسعه پایدار، چنین شروطی اگر هم بطور کامل قابل درج باشد رواج چندانی ندارد؛ شاید ابتدائاً به این دلیل که بسیاری از خریداران و فروشندگان غالباً از قراردادهای نمونه^۳ استفاده می‌کنند. بدین ترتیب در صورت بروز اختلاف طرفین قراردادها، برای جبران ضررهای خود یا جلوگیری از ورود خسارت، اغلب چاره‌ای جز تبعیت از تفاسیر ارائه شده از سوی محاکم ندارند (Schwenzer, Leisinger, 2007: 249-275). لذا نقش کنوانسیون بیع در این میان اهمیت دارد تا به عنوان یک حقوق متحدالشکل حاکم بر قراردادهای بیع، قراردادهای نمونه و یا قراردادهایی که به هر دلیل به اهداف توسعه پایدار و مقتضیات آن صراحت ندارند را از این حیث تکمیل نماید (UNICTRAL, 1971: 163). حال آنکه چنانچه طرفین، به نحو مشخصی اوصاف کالاهای مورد قرارداد را در میان خود مقرر نداشته باشند، اوصاف این کالاها تابع مقررات بند (۲) ماده (۳۵) کنوانسیون خواهد بود که تعدادی ضابطه نوعی برای تعیین انطباق کالا با قرارداد مشخص نموده است. در این چهارچوب تعیین کفایت یا عدم کفایت کالا و بسته‌بندی آن منوط به معیارهای عرفی چون وسایل و طول مدت حمل و نقل، شرایط آب و هوایی که کالا با آن مواجه خواهد بود و لزوم قابلیت استعمال کالا با توجه به مقاصد عرفی کاربرد آن و یا با توجه به مقصود خریدار که بطور صریح یا ضمنی به اطلاع فروشنده رسیده باشد است (CISG, 1980: art. 35.2). لیکن عبارت مقصود^۴ خریدار که در این ماده آمده لزوماً برای الزام فروشنده به ارائه کالایی که تماماً منطبق با مقتضیات توسعه پایدار باشد کفایت نمی‌کند (Honold, 2009: 328).

این می‌تواند به دو علت اصلی باشد. اولاً، در قراردادهایی که طرفین به دقت نگارش می‌کنند نیز معمولاً بسیاری از انتظارات مشروع خود را ذکر نمی‌کنند، چرا که آن‌ها را بدیهی و مفروض

۱. امروزه گستره وسیعی از اسناد بین‌المللی رویکردهای مشابهی نسبت به لزوم تمکین شرکت‌های بین‌المللی از هنجارهای محیط زیستی، حقوق بشری و توسعه پایدار اتخاذ نموده‌اند (OECD, 2011: 13)؛ (A/HRC/17/31).

۲. ex ante.

۳. Standard contracts.

۴. ex post.

۵. Purpose.

می‌انگارند (Honnold, 2009: 328). بسیاری از مقتضیات نوین توسعه پایدار از حیث بهداشت، محیط زیست، ایمنی، بهره‌وری انرژی و غیره می‌تواند در این زمره قرار گیرد. ثانیاً، به موجب قاعده تفسیر به زیان تنظیم‌کننده یا متعهد له‌محاکم قضائی یا داوری که به اختلافات مربوط به اوصاف کالاها موضوع این‌گونه قراردادها رسیدگی می‌کنند قاعداً باید مقررات قرارداد را هماهنگ با اصل برائت تفسیر کرده و در مواردی که قصد مشترک طرفین قابل احراز نباشد و با استفاده از ادله نیز این ابهامات بر طرف نشود، باید تفسیری را مقدم دارند که کمترین مسئولیت را برای متعهد به دنبال داشته باشد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۹-۲۰۰)؛ (Mosavi et.al., 2012: 199-200). با توجه به استانداردهای فزاینده و متفاوت مربوط به اهداف توسعه پایدار در کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه، این دو مولفه می‌تواند بطور بالقوه منجر به فروش کالاهای کم کیفیت در برخی کشورهای در حال توسعه باشد و منافع خریدارانی که قصد ارائه کالاها در بازارهای کشورهای توسعه یافته را دارند تحت تأثیر قرار دهد (Kryla-Cudna, 2021: 935-940).

لذا از این حیث نیاز مبرم به اصلاح کنوانسیون بیع کالا احساس می‌شود. به نحوی که معیارهای کسب و کار پایدار در رفتارهای تجاری طرفین قراردادهای خرید و فروش کالا در آینده به میزان موثرتری تضمین گردد و محاکم رسیدگی‌کننده به چنین اختلافاتی نیز به موجب کنوانسیون، ملزم به تفسیر قراردادها با توجه به اهداف توسعه پایدار باشند. این مهم میسر نمی‌شود مگر با تصریح کنوانسیون بیع به لزوم رعایت شیوه‌های کسب و کار پایدار از سوی طرفین قراردادها و ارجاع صریح به اسناد بین‌المللی ناظر بر حقوق توسعه پایدار؛ مانند دستور العمل سازمان همکاری و توسعه اقتصادی برای شرکت‌های چند ملیتی یا اصول راگی (OECD, 2011: 13)؛ (A/HRC/17/31). البته الزام طرفین قراردادها به تبعیت از شیوه‌های کسب و کار پایدار و احترام به حقوق بشر و مسائل محیط زیستی می‌تواند جنبه الزام آور نیز داشته باشد. اگر چه ممکن است این نوع الزامات حقوق سخت بر خلاف اصل آزادی قراردادی محسوب شود، باید توجه داشت که نگرانی‌های توسعه پایدار در دنیای امروز صرفاً یک گزینه نیست، بلکه یک ضرورت برای تمام جامعه جهانی است. وانگهی چنین رویکردهای الزام‌آوری در این حوزه امری بدیع نیست و می‌توان در برخی دیگر از اسناد مربوط به بیع بین‌المللی کالا چون کنوانسیون مرور زمان راجع به بیع بین‌المللی کالا^۴ که به عنوان کنوانسیون خواهر کنوانسیون بیع نیز شناخته می‌شود چنین رویکردهای الزام‌آوری را جستجو نمود؛ سندی که بر خلاف رویکردهای متفاوت قوانین داخلی نسبت به مهلت طرح دعوی ناشی از نقض مقررات این قراردادها، سعی در ایجاد مقررات متحدالشکل و لازم‌الاجرائی در این رابطه داشته است (Sono, 2004: 148).

¹. Contra Proferentem Rule

². Faux ami

³. Libertas contractuum

⁴. The Convention on the Limitation Period in the International Sale of Goods (1974)

نتیجه‌گیری

در راستای اثبات فرضیه تحقیق این نتیجه به دست آمد که این سند کاستی‌هایی دارد و انتقاداتی نیز از حیث مقررات و ساختار به آن وارد است که لزوم تدوین طرحی جایگزین یا نسخه‌ای اصلاح شده را توجیه می‌کند. شواهد و ادله تأیید فرضیه نیز از این قرار است که کنوانسیون مقبولیت سیاسی قابل توجه و پذیرش حقوقی مورد انتظار را نداشته است. کماکان با گذشت بیش از چهل سال از تدوین این سند بیش از نیمی از دولت‌ها آن را تصویب نکرده‌اند. برخی دولت‌ها چون سوئیس نیز علیرغم تصویب کنوانسیون نسبت به مقررات آن و اساساً کارآمدی این سازکار انتقاد دارند. انتقاداتی که ضمناً مورد تأیید کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل نیز قرار گرفته است. این جایگاه متزلزل کنوانسیون در نظم حقوقی فعلی دنیا را باید از این منظر نگریست که با فرض تصویب حداکثری این سند نیز پذیرش حقوقی مقررات آن به میزان مورد انتظار نبوده است. رویکرد و کلا و تجار در بسیاری از کشورهای عضو در مستثنی دانستن قراردادهای خود از ذیل حاکمیت کنوانسیون دلیلی بر صحت این مدعاست. وانگهی کنوانسیون یک نظام حقوقی خود بسنده نمی‌نمایاند و همواره برای فاتح آمدن بر خلاءهای آن نیاز به مراجعه به قوانین داخلی و قواعد حل تعارض وجود دارد. برای مثال با انتخاب حقوق قراردادهای بریتانیا به عنوان قانون حاکم بر قرارداد بیع، دیگر نیازی به مواجهه با تفاسیر مختلف یا متعارض و مراجعه به مقررات پراکنده وجود ندارد. در این معنی کارآمدی قوانین داخلی بریتانیا در مقایسه با کنوانسیون به مراتب بیشتر و استناد به آن در خرید و فروش کالا به وقت و هزینه کمتری نیاز دارد. به عبارت دیگر کنوانسیون، بر خلاف دیگر اسناد حقوقی بین‌المللی چون معاهده موسس سازمان تجارت جهانی یا کنوانسیون حقوق دریاهای، مقررات خود را به عنوان سازکار مطلوب لازم‌الاتباع نمی‌داند. همین آزادی قراردادی افسار گسیخته است که در کنار اختلافات زبانی منجر به عدم احساس ضرورت برای حاکم دانستن مقررات این سند بر قراردادهای طرف و کلا شده است.

دکترین حقوقی نیز نسبت به مقررات کنوانسیون از حیث پاسخگویی به مقتضیات نوین تجارت جهانی و الزامات توسعه پایدار نقد دارد. حال آنکه تفسیر واحدی از چگونگی تحقق این اهداف و یا اقتضائات آن‌ها ذیل کنوانسیون وجود ندارد و همین امر منجر به عدم قطعیت و کاهش قابلیت پیش‌بینی آرای محاکم می‌شود. تفاوت زبان‌های رسمی کشورها، قوانین داخلی، قراردادهای و اختلاف معانی در ترجمه نسخ رسمی کنوانسیون نیز از دیگر جوانبی است که بطور بالقوه منجر به برداشت‌های متعارض در چگونگی اعمال مقررات این سند شده است.

تمامی این نقاط ضعف با توجه به تحولات تجارت امروز و افزایش ارائه کالاها همراه با خدمات طولانی مدت به یک چالش برای کنوانسیون تبدیل شده است. رویکرد این سند در تعریف کالا نیز این چالش را جدی‌تر ساخته است. در حوزه خدمات نیز اندازه‌گیری نسبت ارزش خدمات به کالا در بیع سیستم‌های کالا-خدمات چالش برانگیز بوده و معیار ارائه شده از سوی کنوانسیون ناکارآمد جلوه می‌نماید.

امروزه نگرانی‌های فزاینده محیط زیستی نیز برجسته‌تر شده و نقش آفرینی کنوانسیون در راستای

تئوری مسئولیت مضاعف بر حمایت را می‌طلبد. خصوصاً که این نگرانی وجود دارد که کالاهایی که استانداردهای محیط زیستی یا بهداشتی لازم را ندارد مورد خرید و فروش باشد و کنوانسیون نسبت به آن هیچ موضع مشخصی ندارد.

تمامی این کاستی‌ها در مقررات کنوانسیون مثبت فرضیه تحقیق است. همانطور که کمیسیون نیز پذیرفته باید اذعان داشت که این سند نیازمند اصلاحات یا جایگزینی آن با کنوانسیون دیگری است و اثبات فرضیه این تحقیق در تعیین حوزه‌هایی که لزوم اصلاح این سند را می‌طلبد از آن جهت اهمیت داشت که خواهد توانست چنین گرایشی را نه صرفاً از منظر حقوق خصوصی، بلکه در میان دولت‌ها و از حیث سیاسی و بین‌المللی نیز تقویت نماید.

منابع فارسی

۱. اکبری دهنو، م، و حاجیان، ه. (۱۴۰۰). بازفروش میبع (فروش خودیار و اضطراری) در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰) و حقوق ایران با تأکید بر قوانین حمل و نقل. *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، ۵(۱)، ۳۰-۷.
۲. حاجی عزیزی، ب.، و بیات، ب. (۱۳۹۷). ضرورت الحاق به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۳۵(۵۸)، ۳۲۸-۲۹۹. doi:10.22066/cilamag.2018.31691
۳. جکسون، ر.، و سورنسون، جی. (۱۳۹۵). *درآمدی بر روابط بین‌الملل - دفتر دوم: نظریه‌ها و رهیافت‌ها*، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسن سعید کلاهی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
۴. عاکفی قاضیانی، م.، و عاکفی قاضیانی، م. (۱۴۰۰). منابع حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری: تفوق قوانین داخلی. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۸(۱)، ۸۲-۶۳. doi:10.22034/isj.2021.248930.1218
۵. فیضی چکاب، غ.، و عاکفی قاضیانی، و. (۱۴۰۱). نرم‌افزار به عنوان کالا (Goods)، در مقررات کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا. *مطالعات حقوقی*، ۱۴(۱)، ۳۰۸-۲۷۹.
۶. موسوی، ف.، موسوی، م.، و کیلی مقدم، م.، و غلامی، م. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی اصول تفسیر قرارداد. *پژوهش حقوق خصوصی*، ۱(۱)، ۲۱۳-۱۸۳.
۷. نعمت‌اللهی، ا.، و فاطمیون، م. (۱۳۹۸). تبیین مفهوم نقض اساسی و عدم اجرای اساسی قرارداد (در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰، سایر اسناد بین‌المللی و مقایسه با حقوق ایران). *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۶(۴)، ۱۹۰-۱۵۹.

English References

1. Baines, T., Lightfoot, H., & Kay, J. (2009). Servitized manufacture: Practical challenges of delivering integrated products and services. *Journal of Engineering Manufacture*, 223(9), 1207-1215.
2. Clayton P., & Scott, R. (2005). *The Political Economy of International Sales Law*.

- International Review of Law and Economics*, 25(3), 446-486.
3. Cuniberti, G. (2014). The International Market for Contracts: The Most Attractive Contract Laws. *Northwestern Journal of International Law & Business*, 34(3), 455-517.
 4. Eiselen, S. (1999). Adoption of the Vienna Convention for the International Sale of Goods (the CISG) in South Africa. *South African Law Journal*, 116(2), 323-370.
 5. Foley, C., Hines, J., Mataloni, R., & Wessel, D. (2021). *Global Goliaths: Multinational Corporations in the 21st Century Economy*. Washington, DC: Brookings Institution Press.
 6. Halson, D. (2011). A Common Lawyer's Perspective on Contract Codes. *Jersey and Guernsey Law Review*, 15(2), 1-18.
 7. Hoekstra, J. (2021). Political barriers in the ratification of international commercial law conventions. *Uniform Law Review*, 26(1), 43-66.
 8. Honnold, J. (2009). *Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention*. Austin: Wolters Kluwer.
 9. *Human Rights Council*. (2011). Report of the Special Representative of the Secretary General on the issue of human rights and transnational corporations and other business enterprises, John Ruggie. UN Doc A/HRC/17/31, 21 March 2011.
 10. Kritzer, A.H. (2022). CISG: Table of Contracting States. *Institute of International Commercial Law*, May 5, at <https://iicl.law.pace.edu/cisg/page/cisg-table-contracting-states>.
 11. Kryla-Cudna, K. (2021). Adequate Assurance of Performance under the UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods and the Uniform Commercial Code. *International & Comparative Law Quarterly*, 70(4), 935-960.
 12. Kobayashi, S. Baobo, J., & Sano, J. (1999). The "Three Reforms" in China: Progress and Outlook. *Japan Research Institute*, September, at: <https://www.jri.co.jp/english/periodical/rim/1999/RIMe199904threereforms/>
 13. Law Explorer. (2018). Legal Aspects of the Protection of the Environment. May 5, at: <https://lawexplores.com/legal-aspects-of-the-protection-of-the-environment/>.
 14. Maulana Haeruddin, M., Rifadli Mansur, M., Mansur, M., Ilham, T., Wardhana Haeruddin, M. (2020). Keeping up with The CISG: A Case of Indonesia. *Iran. Econ. Rev.*, 24(4), 923-933.
 15. Miashchanava, M. (2016). *Globalization and International Commercial Contracts: the UNIDROIT Principles*. Modena: ADAPT University Press.
 16. Moccia, C. (1990). The United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods and the "Battle of the Forms". *Fordham International Law Journal*, 13,

649-679.

17. Monroe, K. (2017). CISG: To Include or Exclude? That is the Question: United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods. *Phillips Nizer LLP*, May 4, at: <https://www.phillipsnizer.com/CISG-UN-Convention-International-Sale-of-Goods-KAMonroe>.
18. Moss, S. (2005). Why the United Kingdom has not Ratified the CISG. *Journal of Law and Commerce*, 25, 483-485.
19. Nguyen, L. (2021). When does CISG apply and what are the benefits of CISG?. *BLAWYERS W*, August 3, at: <https://www.blawyersvn.com/blog/when-does-cisg-apply-and-what-are-the-benefits-of-cisg/>.
20. OECD. (2011). *Guidelines for Multinational Enterprises*. Paris: OECD Publishing.
21. Praštalo, B. (2020). A Potentially Greater Role of Arbitral Awards in Shaping the CISG Case Law: Could We Be Witnessing the Beginning of a New Dawn?. *Regulating for Globalization: Trade, Labor and EU Law Perspectives*, May 18, at: <https://regulatingforglobalization.com/2020/05/18/a-potentially-greater-role-of-arbitral-awards-in-shaping-the-cisg-case-law-could-we-be-witnessing-the-beginning-of-a-new-dawn/>
22. Schefer, K. (2016). *Emerging Issues in Sustainable Development: International Trade Law and Policy Relating to Natural Resources, Energy, and the Environment*. Edited by M. Matsushita, T.J. Schoenbaum, Tokyo: Springer.
23. Schwenzer, I. (2014). *International Sales Law: A Global Challenge*. Edited by L. DiMatteo, Cambridge: Cambridge University Press.
24. Schwenzer, I., & Leisinger, B. (2007). *Commercial Law Challenges in the 21st Century: Jan Hellner in Memoriam*. Edited by R. Cranston, J. Ramberg, J. Ziegel, Uppsala: Stockholm Centre for Commercial Law.
25. Smits, J. (2014). *International Sales Law: A Global Challenge*. Edited by L. DiMatteo, Cambridge: Cambridge University Press.
26. Sono, K. (2004). The Limitation Convention: The Forerunner to Establish UNCITRAL's Credibility. *Pace International Law Review*, 16(1), 147-164.
27. The Lawyers and Jurists. (2023). Why India is Hesitating from CISG?. February 15, at: <https://www.lawyersnjurists.com/article/why-india-is-hesitating-from-cisg/#:~:text=The%20major%20reason%20as%20to,misrepresentation%20related%20to%20the%20contract.>
28. Tienhaara, K. (2008). Unilateral Commitments to Investment Protection: Does the Promise of Stability Restrict Environmental Policy Development?. *Yearbook of*

- International Environmental Law*, 17, 139-167.
29. Tiong Min, Y. (2015). The CISG as a Model for an International Contract Law. In *UNCITRAL-Singapore Seminar of 35 Years of the CISG: Achievements and Perspectives*, Singapore: Singapore Management University.
 30. Trading Economics. (2023). World - Trade (% Of GDP). February 15, at: [https://tradingeconomics.com/world/trade-percent-of-gdp-wb-data.html#:~:text=Trade%20\(%25%20of%20GDP\)%20in,Bank%20on%20February%20of%202023](https://tradingeconomics.com/world/trade-percent-of-gdp-wb-data.html#:~:text=Trade%20(%25%20of%20GDP)%20in,Bank%20on%20February%20of%202023).
 31. Tripodi, L. (2015). *Towards a New CISG: The Prospective Convention on the International Sale of Goods and Services*. Leiden: Martinus Nijhoff.
 32. UN General Assembly. (2012). Possible future work in the area of international contract law: Proposal by Switzerland on possible future work by UNCITRAL in the area of international contract law, UN Doc A/CN.9/758, 8 May 2012.
 33. *UN General Assembly*. (2012). Report of the United Nations Commission on International Trade Law, Official Records Sixty-seventh session, Supplement No. 17, UN Doc A/67/17, 6 July 2012.
 34. *UNCTAD*. (2013). *World Investment Report 2013: Global Value Chains: Investment and Trade for Development*. Geneva: United Nations Publication.
 35. *United Nations*. (2023). United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (Vienna, 1980) (CISG). February 14, at: https://uncitral.un.org/en/texts/salegoods/conventions/sale_of_goods/cisg
 36. United Nations Commission on International Trade Law. (1971). *Yearbook Volume I: 1968-1970*. New York: United Nations Publication.
 37. Vaughn, G., & Duggal, K. (2022). On International Arbitration, Choice of Substantive Law, and the CISG: a Case Law Study. *Arbitration International*, 38(3). 187–202.
 38. Wethmar-Lemmer, M. (2014). Regional Harmonisation of International Sales law via Accession to the CISG and the Importance of Uniform Interpretation of the CISG. *De Jure (Pretoria)*, 47(2), 298-309.
 39. WTO. (2019). *World Trade Statistical Review 2019*. Geneva: World Trade Organization.
 40. *WTO*. (2023). Evolution of trade under the WTO: handy statistics. February 14, at: https://www.wto.org/english/res_e/statis_e/trade_evolution_e/evolution_trade_wto_e.htm#:~:text=World%20trade%20values%20today%20have,the%20WTO%20was%20first%20established.
 41. Zhou, Q. (2014). *International Sales Law: A Global Challenge*. Edited by L. DiMatteo,

Cambridge: Cambridge University Press.

42. Zhou, Q. (2019). China's New Foreign Investment Law: A Backgrounder. *China Briefing*, October 17, at: <https://www.china-briefing.com/news/china-new-foreign-investment-law-backgrounder/>.

Translated References to English

1. Akbari, M., & Hajian, H. (2021). Resale of Goods (self-help and emergency sales) in the Convention on International Sale of Goods (1980) and Iranian Law with Emphasis Transportation Laws. *Journal of Comparative Law*, 5(1), 7-30. **(In Persian)**
2. Akefi Ghaziani, M., & Akefi Ghaziani, M. (2021). The Sources of International Investment Law: The Primacy of National Legislations. *International Studies Journal (ISJ)*, 18(1), 63-82. doi: 10.22034/isj.2021.248930.1218. **(In Persian)**
3. Baines, T., Lightfoot, H., & Kay, J. (2009). Servitized manufacture: Practical challenges of delivering integrated products and services. *Journal of Engineering Manufacture*, 223(9), 1207-1215.
4. Clayton P., & Scott, R. (2005). The Political Economy of International Sales Law. *International Review of Law and Economics*, 25(3), 446-486.
5. Cuniberti, G. (2014). The International Market for Contracts: The Most Attractive Contract Laws. *Northwestern Journal of International Law & Business*, 34(3), 455-517.
6. Eiselen, S. (1999). Adoption of the Vienna Convention for the International Sale of Goods (the CISG) in South Africa. *South African Law Journal*, 116(2), 323-370.
7. Fayzi Chakab, G., & Akefi Ghaziani, V. (2022). Software as Goods in CISG. *Journal of Legal Studies*, 14(1), 279-308. **(In Persian)**
8. Foley, C., Hines, J., Mataloni, R., & Wessel, D. (2021). *Global Goliaths: Multinational Corporations in the 21st Century Economy*. Washington, DC: Brookings Institution Press.
9. Hajiazizi, B., & Bayat, B. (2018). The Necessity of Accession to the Convention on the International Sale of Goods. *International Law Review*, 35(58), 299-328. doi: 10.22066/cilamag.2018.31691. **(In Persian)**
10. Halson, D. (2011). A Common Lawyer's Perspective on Contract Codes. *Jersey and Guernsey Law Review*, 15(2), 1-18.
11. Hoekstra, J. (2021). Political barriers in the ratification of international commercial law conventions. *Uniform Law Review*, 26(1), 43-66.
12. Honnold, J. (2009). *Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention*. Austin: Wolters Kluwer.

13. *Human Rights Council*. (2011). Report of the Special Representative of the Secretary General on the issue of human rights and transnational corporations and other business enterprises, John Ruggie. UN Doc A/HRC/17/31, 21 March 2011.
14. Jackson, R., & Sørensen, G. (2016). *Introduction to International Relations: Theories and Approaches*. Translated by Mehdi Zakerian, Ahamad Taghizadeh and Hasan Saeed kolahi, Tehran: Mizan Legal Foundation, First Edition. **(In Persian)**
15. Kobayashi, S. Baobo, J., & Sano, J. (1999). The "Three Reforms" in China: Progress and Outlook. *Japan Research Institute*, September, at: <https://www.jri.co.jp/english/periodical/rim/1999/RIMe199904threereforms/>
16. Kritzer, A.H. (2022). CISG: Table of Contracting States. *Institute of International Commercial Law*, May 5, at <https://iicl.law.pace.edu/cisg/page/cisg-table-contracting-states>.
17. Kryla-Cudna, K. (2021). Adequate Assurance of Performance under the UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods and the Uniform Commercial Code. *International & Comparative Law Quarterly*, 70(4), 935-960.
18. Law Explorer. (2018). Legal Aspects of the Protection of the Environment. May 5, at: <https://lawexplores.com/legal-aspects-of-the-protection-of-the-environment/>.
19. Maulana Haeruddin, M., Rifadli Mansur, M., Mansur, M., Ilham, T., Wardhana Haeruddin, M. (2020). Keeping up with The CISG: A Case of Indonesia. *Iran. Econ. Rev.*, 24(4), 923-933.
20. Miashchanava, M. (2016). *Globalization and International Commercial Contracts: the UNIDROIT Principles*. Modena: ADAPT University Press.
21. Moccia, C. (1990). The United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods and the "Battle of the Forms". *Fordham International Law Journal*, 13, 649-679.
22. Monroe, K. (2017). CISG: To Include or Exclude? That is the Question: United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods. *Phillips Nizer LLP*, May 4, at: <https://www.phillipsnizer.com/CISG-UN-Convention-International-Sale-of-Goods-KAMonroe>.
23. Mosavi, F., Mosavi, M., Vakili Moghadam, M., Golami, M. (2012). The Principles of Interpretation of Contract (A Comparative study). *Private Law Research*, 1(1), 183-213. **(In Persian)**
24. Moss, S. (2005). Why the United Kingdom has not Ratified the CISG. *Journal of Law and Commerce*, 25, 483-485.
25. Nematollahi, E., & Fatemioon, S. (2020). Explaining the Concept of Fundamental

- Breach & Fundamental Non-Performance of Contract (In the 1980 ICISG & Other International Documents and A Comparison with Iranian Law). *Comparative Studies on Islamic and Western Law*, 6(4), 159-190. **(In Persian)**
26. Nguyen, L. (2021). When does CISG apply and what are the benefits of CISG?. *BLAWYERS W*, August 3, at: <https://www.blawyersvn.com/blog/when-does-cisg-apply-and-what-are-the-benefits-of-cisg/>.
 27. OECD. (2011). *Guidelines for Multinational Enterprises*. Paris: OECD Publishing.
 28. Praštalo, B. (2020). A Potentially Greater Role of Arbitral Awards in Shaping the CISG Case Law: Could We Be Witnessing the Beginning of a New Dawn?. *Regulating for Globalization: Trade, Labor and EU Law Perspectives*, May 18, at: <https://regulatingforglobalization.com/2020/05/18/a-potentially-greater-role-of-arbitral-awards-in-shaping-the-cisg-case-law-could-we-be-witnessing-the-beginning-of-a-new-dawn/>
 29. Schefer, K. (2016). *Emerging Issues in Sustainable Development: International Trade Law and Policy Relating to Natural Resources, Energy, and the Environment*. Edited by M. Matsushita, T.J. Schoenbaum, Tokyo: Springer.
 30. Schwenzer, I. (2014). *International Sales Law: A Global Challenge*. Edited by L. DiMatteo, Cambridge: Cambridge University Press.
 31. Schwenzer, I., & Leisinger, B. (2007). *Commercial Law Challenges in the 21st Century: Jan Hellner in Memoriam*. Edited by R. Cranston, J. Ramberg, J. Ziegel, Uppsala: Stockholm Centre for Commercial Law.
 32. Smits, J. (2014). *International Sales Law: A Global Challenge*. Edited by L. DiMatteo, Cambridge: Cambridge University Press.
 33. Sono, K. (2004). The Limitation Convention: The Forerunner to Establish UNCITRAL's Credibility. *Pace International Law Review*, 16(1), 147-164.
 34. The Lawyers and Jurists. (2023). Why India is Hesitating from CISG?. February 15, at: <https://www.lawyersjurists.com/article/why-india-is-hesitating-from-cisg/#:~:text=The%20major%20reason%20as%20to,misrepresentation%20related%20to%20the%20contract.>
 35. Tienhaara, K. (2008). Unilateral Commitments to Investment Protection: Does the Promise of Stability Restrict Environmental Policy Development?. *Yearbook of International Environmental Law*, 17, 139-167.
 36. Tiong Min, Y. (2015). The CISG as a Model for an International Contract Law. In *UNCITRAL-Singapore Seminar of 35 Years of the CISG: Achievements and Perspectives*, Singapore: Singapore Management University.

37. Trading Economics. (2023). World - Trade (% Of GDP). February 15, at: [https://tradingeconomics.com/world/trade-percent-of-gdp-wb-data.html#:~:text=Trade%20\(%25%20of%20GDP\)%20in,Bank%20on%20February%20of%202023.](https://tradingeconomics.com/world/trade-percent-of-gdp-wb-data.html#:~:text=Trade%20(%25%20of%20GDP)%20in,Bank%20on%20February%20of%202023.)
38. Tripodi, L. (2015). *Towards a New CISG: The Prospective Convention on the International Sale of Goods and Services*. Leiden: Martinus Nijhoff.
39. UN General Assembly. (2012). Possible future work in the area of international contract law: Proposal by Switzerland on possible future work by UNCITRAL in the area of international contract law, UN Doc A/CN.9/758, 8 May 2012.
40. UN General Assembly. (2012). Report of the United Nations Commission on International Trade Law, Official Records Sixty-seventh session, Supplement No. 17, UN Doc A/67/17, 6 July 2012.
41. UNCTAD. (2013). *World Investment Report 2013: Global Value Chains: Investment and Trade for Development*. Geneva: United Nations Publication.
42. United Nations Commission on International Trade Law. (1971). *Yearbook Volume I: 1968-1970*. New York: United Nations Publication.
43. United Nations. (2023). United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (Vienna, 1980) (CISG). February 14, at: https://uncitral.un.org/en/texts/salegoods/conventions/sale_of_goods/cisg
44. Vaughn, G., & Duggal, K. (2022). On International Arbitration, Choice of Substantive Law, and the CISG: a Case Law Study. *Arbitration International*, 38(3). 187-202.
45. Wethmar-Lemmer, M. (2014). Regional Harmonisation of International Sales law via Accession to the CISG and the Importance of Uniform Interpretation of the CISG. *De Jure (Pretoria)*, 47(2), 298-309.
46. WTO. (2019). *World Trade Statistical Review 2019*. Geneva: World Trade Organization.
47. WTO. (2023). Evolution of trade under the WTO: handy statistics. February 14, at: https://www.wto.org/english/res_e/statis_e/trade_evolution_e/evolution_trade_wto_e.htm#:~:text=World%20trade%20values%20today%20have,the%20WTO%20was%20first%20established.
48. Zhou, Q. (2014). *International Sales Law: A Global Challenge*. Edited by L. DiMatteo, Cambridge: Cambridge University Press.
49. Zhou, Q. (2019). China's New Foreign Investment Law: A Backgrounder. *China Briefing*, October 17, at: <https://www.china-briefing.com/news/china-new-foreign-investment-law-backgrounder/>.

